

## عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین مورد مطالعه: بنگاه‌های صنعتی شهرستان مشهد

سارا پارساپور<sup>۱</sup> - جواد براتی<sup>۲\*</sup> - مریم رسول‌زاده<sup>۳</sup>

۱. پژوهشگر اقتصادی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، گروه توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای؛
۲. عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، گروه توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای
۳. پژوهشگر اقتصادی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، گروه توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای؛

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۸

### چکیده

با وجود اشتغال‌زایی بالای بنگاه‌های کوچک، عمر کوتاه این دسته از بنگاه‌های اقتصادی، از مهمترین مشکلات آن‌ها محسوب می‌شود. از این‌رو، مطالعه حاضر به بررسی عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک صنعتی در شهرستان مشهد می‌پردازد. این تحقیق برحسب هدف، کاربردی بوده و برحسب گردآوری اطلاعات توصیفی-پیمایشی با ابزار پرسشنامه گردآوری می‌شود. به‌واسطه سهم بالای (۷۰ درصد اشتغال صنعتی) پنج گروه صنعتی، «صنایع غذایی»، «کانی غیرفلزی»، «لاستیک و پلاستیک»، «محصولات فلزی فابریکی» و «ماشین‌آلات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» و ناپایداری این دسته از صنایع در شهر مشهد، جامعه آماری در این مطالعه شامل این پنج گروه صنعتی می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این مطالعه، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی است. اطلاعات موردنیاز از طریق تکمیل پرسشنامه محقق‌ساخته توسط مدیران کارگاه‌های کوچک صنعتی گردآوری شده و برای بررسی عوامل تاثیرگذار بر پایداری بنگاه‌ها، از روش «لاجیت ترتیبی» استفاده شده است. «پایداری بنگاه» به‌عنوان متغیر وابسته به‌صورت ترکیبی از متغیرهای تغییر در سرمایه، فروش و اشتغال بنگاه در نظر گرفته شده است. مطابق نتایج این مطالعه، مهمترین عوامل تاثیرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین عبارتند از: تحصیلات مدیر، نحوه کنترل و نظارت بنگاه توسط مدیر، ریسک‌پذیری مدیر، آگاهی از فرصت‌های بازار، تعداد دوره آموزشی کارکنان، دسترسی به بازار و اتکا به تأمین مالی استقراری.

**واژه‌های کلیدی:** بنگاه کوچک و کارآفرین، پایداری، کارگاه‌های صنعتی مشهد، لاجیت ترتیبی

## مقدمه

بنگاه‌های کوچک و کارآفرین، تأمین‌کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری هستند. از این‌رو، اهمیت بسیاری در اقتصاد کشورهای در حال توسعه (که اشتغال به‌عنوان یکی از مسائل اصلی آن‌ها به‌شمار می‌رود) دارند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که درصد زیادی از کسب-و‌کارهای کوچک در سال‌های ابتدایی تاسیس با شکست مواجه می‌شوند و پایدار نبودن این بنگاه‌ها می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد کند (فیض‌پور و همکاران، ۱۳۹۰، عادل آذر و همکاران، ۱۳۹۱). با اینکه در کشورهای در حال توسعه، پژوهش‌های زیادی در زمینه پایدار نبودن و خروج بنگاه‌ها از حیات اقتصادی انجام شده، اما این موضوع در کشور ما تقریباً مورد غفلت قرار گرفته است. دسترسی نداشتن به داده‌های مورد نیاز در این حوزه از یک سو و توجه بیشتر به ایجاد اشتغال از طریق ایجاد بنگاه‌های جدید به‌جای حفظ اشتغال بنگاه‌های موجود و رشد آن‌ها از سوی دیگر، غافل ماندن از خروج بنگاه‌ها از چرخه فعالیت و در نتیجه از بین رفتن فرصت‌های اشتغال ایجاد شده را باعث شده است. براساس آمار موجود در کشور، حدود ۲۳ درصد از واحدهای کوچک، در سال اول و تقریباً ۴۲ درصد در پایان سال پنجم از شروع فعالیت به دلایل مختلفی با ناکامی مواجه شده و ناچار به توقف فعالیت شده‌اند (وحدت و داداشی، ۱۳۸۹). این در حالی است که از سال ۱۳۸۴ اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک اقتصادی با عنوان تسهیلات زودبازده، با هدف اشتغال‌زایی پایدار، انجام شده و براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تا کنون این برنامه و سایر برنامه‌های مشابه، موفق نبوده و با شکست مواجه شده است (اژدری، ۱۳۹۱).

در کنار اهمیت مسئله عدم پایداری برای هر بنگاه اقتصادی، تفاوت‌هایی در عوامل و علت‌های آن برای بخش‌های مختلف اقتصادی وجود دارد. بخش صنعت به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصادی استان خراسان رضوی بیشترین سهم اشتغال در بنگاه‌های کوچک و زودبازده را دارد. براساس حضور قابل توجه این صنایع کوچک در ساختار صنعتی استان و نقش به‌سزایی که در توسعه و رشد اقتصادی استان ایفا می‌کنند، پایداری آن‌ها بر پایداری اشتغال و حتی اشتغال‌زایی مستمر، اثرگذار خواهد بود. براساس طرح آمارگیری از کارگاه‌های

صنعتی سال ۱۳۹۳، استان خراسان رضوی در تعداد اشتغال ایجاد شده در کارگاه‌های صنعتی کوچک، رتبه سوم و در ارزش افزوده ایجاد شده رتبه چهارم را در کشور دارد. از طرفی شهرستان مشهد در میان شهرستان‌های استان سهم قابل توجهی (بیش از ۷۰ درصد) از کارگاه‌های صنعتی کوچک را به خود اختصاص داده و بیشترین تاثیر را از ناپایداری این بنگاه‌ها دیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳).

با توجه به این مهم که نقش بنگاه‌های کوچک در ایجاد اشتغال پایدار، تنها در پرتو ثبات و تداوم این بنگاه‌ها معنا می‌یابد و پایدار نبودن آن‌ها می‌تواند زمینه بیکاری گسترده در اقتصاد را ایجاد کند، از این رو بررسی عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک در بخش صنعت استان خراسان رضوی و به‌طور خاص شهر مشهد به‌عنوان هدف اصلی این تحقیق مدنظر قرار گرفته است. در این راستا، عوامل مختلفی همچون کارآفرینی و ویژگی‌های مدیر، بازار و پیامدهای خارجی در طبقات مختلف صنعتی بررسی می‌شود.

### مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کارآفرینی، موتور محرک توسعه اقتصادی کشورها است. شومپتر<sup>۱</sup> (۱۹۳۴) در نظریه توسعه اقتصادی خود، کارآفرینی را نوعی تخریب خلاق می‌داند؛ به طوری که با کارآفرینی فعالیت‌های سنتی تغییر ماهیت داده و به صورت مدرن‌تری شکل می‌گیرند. وی اقتصاد قوی را با دو شاخص نشان داده است. یکی وجود کارآفرینانی که قدرت نوآوری داشته باشند و دیگری وجود کارآفرینانی که تمایل به ایجاد کسب و کار دارند (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۱). سه دلیل مهم کشورها برای توجه به کارآفرینی تولید ثروت، توسعه فناوری و اشتغال مولد است (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۱). از این رو، یکی از ابزارهای اصلی توسعه، بنگاه‌های کوچک کارآفرین می‌باشد و کارآفرینان به واسطه ویژگی‌هایی که دارند می‌توانند فعالیت خود را با ایجاد بنگاه‌های کوچک شروع کنند (یونیدو، ۱۳۸۹).

1. Shampiter

نظریات مطرح شده درباره پایداری بنگاه‌های اقتصادی، اغلب متمرکز بر بنگاه‌های بزرگ هستند و علت اصلی ناپایداری بنگاه‌های کوچک را در محدودیت‌های مالی عنوان کرده‌اند (سلیم‌زاده و همکاران، ۲۰۱۳). از دیگر مشکلات و موانع فعالیت بنگاه‌های کوچک، می‌توان به نداشتن شناخت کافی از کمک‌های مورد نیاز خود، کمبود منابع مالی و مشکلات موجود در دریافت تسهیلات بانکی، کم بودن نیروی متخصص و ناکافی بودن دانش و مهارت نیروی موجود، ماشین‌آلات کهنه و قدیمی، بالا بودن نرخ بهره تسهیلات، مبهم بودن برخی از قوانین و مقررات بازرگانی و تجاری، افزایش واسطه‌های تولیدی، قاچاق گسترده کالا به کشور، تعداد زیاد رقبای فعلی خارجی در بازار، استقبال مصرف‌کنندگان از محصولات خارجی، سنتی بودن فعالیت‌ها در حوزه صنعت و کمبود دانش اقتصادی، مالی و مدیریتی به‌ویژه در زمان تأسیس، اشاره کرد (بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰). رفع این موانع که هم به عملکرد بنگاه‌های کوچک و هم به اجرای برنامه‌های دولت مرتبط است، فرصت‌های کارآفرینی فراوانی را در صنایع کوچک ایجاد کرده و عاملی برای ایجاد توسعه متوازن در بخش تولید و صنعت کشور خواهد بود.

در ادامه پژوهش‌هایی که در رابطه با عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین انجام شده است، بررسی می‌شود. در نگاه کلی، بیشتر این پژوهش‌ها را می‌توان در سه دسته کلی جای داد.

دسته اول پژوهش‌هایی هستند که بدون در نظر گرفتن بخش ویژه‌ای از اقتصاد و به صورت جامع به بررسی عوامل کلیدی موفقیت و پایداری بنگاه‌های کوچک کارآفرین پرداخته‌اند. بنزازوا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) عوامل اثرگذار بر نرخ رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط الجزایر را در دو دسته داخلی (ویژگی‌های کارآفرینی، ظرفیت مدیریت، مهارت‌های بازاریابی و ظرفیت‌های فناوری) و خارجی (قوانین، دسترسی به تامین مالی و ظرفیت منابع انسانی) تقسیم کرده‌اند. مطالعه رومئو<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) نشان داد که عوامل مدیریتی، آموزش مدیران، پاسخگویی و چالاکي راهبردی از جمله عوامل مهم و متداول در اثرگذاری بر کسب و کارهای کوچک و

---

1. Benzazoua Bouazza et all

2. Romeo Asa

پایداری آن‌ها در کشور زامبیا می‌باشد. اباسان<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نشان داد که متغیرهایی مانند سیاست‌های دولت، روند تورم و رقابت بر پایداری و بقای بنگاه‌های کوچک در نیجریه تاثیر معنی‌داری دارند. همچنین، سلیم‌زاده و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در بررسی عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک در استرالیا، عوامل داخلی شامل عملکرد، ویژگی‌های کارکنان و همچنین مالک یا مدیر و عوامل خارجی نیز شامل دولت، مشتریان و ذی‌نفعان بنگاه را تحلیل کردند.

دسته دوم، پژوهش‌هایی هستند که به بررسی عوامل کلیدی پایداری و موفقیت بنگاه‌ها در بخش ویژه‌ای از اقتصاد پرداخته‌اند. رگاسا<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) به این نتیجه دست یافت که توسعه زیربنایی، رقابت، دسترسی به بازار، رابطه مثبت و معنی‌دار و متغیرهای نرخ بهره و دسترسی به اعتبارات، رابطه منفی و معنی‌داری بر رشد بنگاه‌های صنعتی در منطقه تیگاری<sup>۴</sup> دارند. ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی بخش کشاورزی در شهرستان زابل، نشان دادند که بنگاه‌های زیربخش ماشین‌آلات، به‌علت بهبود در برخی شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی، از سایر بنگاه‌ها موفق‌تر بوده و بنگاه‌های دامی و زراعی به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. آذر و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه دست یافتند که از میان شاخص‌های ده‌گانه موفقیت، سیاست‌ها و قوانین کسب و کار در کشور، فناوری و ویژگی‌های کارآفرین به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط در حوزه فناوری‌های برتر محسوب می‌شوند.

دسته سوم، پژوهش‌هایی هستند که بر نقش تسهیلات بانکی بنگاه‌های کوچک و کارآفرین متمرکز بوده‌اند. از آن جمله می‌توان به مطالعه حسین‌زاده و نصرتی (۱۳۹۳)، کریمی تکانلو (۱۳۹۲) و پانیکوز و همکاران (۲۰۰۸) اشاره کرد.

- 
1. Obasan
  2. Salimzadeh et all
  3. Regasa
  4. Tigray

سه تمایز عمده بین این مطالعه و سایر مطالعات وجود دارد. نخست اینکه، مطالعات انجام شده، اغلب متمرکز بر اشتغال‌زایی بوده‌اند و مبحث پایداری بنگاه به‌عنوان یک عامل فرعی بررسی شده است. اگرچه پایداری شغلی اهمیت بسیاری در بازار کار و بخش صنعت دارد، اما تداوم فعالیت بنگاه و پایداری خود بنگاه نیز مبحث متفاوتی می‌باشد که توجه کمتری به این دسته از مطالعات داشته‌اند. دوم، تفاوت در بخش مورد مطالعه است. بیشتر مطالعات انجام شده در ایران، در زمینه بنگاه‌های کوچک بخش کشاورزی هستند و معدود مطالعاتی که به بخش صنعت توجه داشته‌اند، زیربخش‌های صنعتی را به‌طور خاص مدنظر قرار نداده‌اند. در حالی که در این مطالعه نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده براساس گروه‌های اصلی صنعتی منطقه‌ای انجام شده است. به‌عنوان مثال، مطالعه فیض‌پور و همکاران (۱۳۸۸) تنها صنعت نساجی را بررسی کرده است؛ اما این تحقیق، به‌دلیل ناهمگنی موجود در گروه‌های مختلف صنعتی (به سبب ماهیت متفاوتی که در اشتغال‌زایی و پایداری دارند)، ویژگی‌های هر گروه صنعتی و مسائل پیش روی آن‌ها، واکاوی شده است که این ویژگی آن را از سایر مطالعات متمایز می‌کند. سوم اینکه، در اغلب مطالعات انجام شده (به جز مطالعه رگاسا (۲۰۱۵)) از روش‌های مفهومی و رگرسیون‌های ساده و در مواردی محدود از مدل‌های رگرسیونی با پاسخ چندگانه‌ی ترتیبی یا غیرترتیبی به بررسی عوامل اثرگذار بر رشد و سودآوری بنگاه‌های کوچک در بخش‌هایی غیر از صنعت استفاده شده است. در حالیکه در این پژوهش از روش لاجیت ترتیبی استفاده شده و به از نظر روش‌شناسی، متفاوت از سایر مطالعات مرتبط می‌باشد.

### روش‌شناسی

هدف تحقیق، بررسی علل مؤثر بر پایداری بنگاه‌های کوچک صنعتی است. این تحقیق برحسب هدف، کاربردی بوده و برحسب گردآوری اطلاعات توصیفی - پیمایشی که با ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. به این منظور پنج زیربخش از بنگاه‌های صنعتی شامل ساخت محصولات کانی غیرفلزی، ساخت محصولات لاستیک و پلاستیک، ماشین و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، صنایع غذایی و محصولات فلزی فابریکی که تعداد آن‌ها براساس نتایج آمارگیری کارگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۹۳ در مقایسه با آمار سال ۱۳۹۲

کاهش یافته‌اند به‌عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شده و مطالعه موردی برای شهر مشهد که بیش از ۷۰ درصد اشتغال صنعتی استان در آن قرار گرفته است، انجام شد. در سال ۱۳۹۳، در ۴۸۱ کارگاه کوچک صنعتی بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن فعال بوده‌اند و اطلاعات این کارگاه‌ها از سازمان صنعت، معدن و تجارت استان اخذ شده است.

با توجه به اینکه جامعه ساخت همگن و متجانس ندارد از این رو از نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی استفاده شده است. در این روش حجم کل نمونه مطابق روش کوکران و به صورت ذیل محاسبه شده و به نسبت تعداد کارگاه‌های فعال در هر طبقه<sup>۱</sup>، حجم نمونه در پنج طبقه بیان شده تعیین می‌شود.

$$n = \frac{NZ^2pq}{Nd^2 + Z^2pq} \quad (1)$$

که در آن، n: حجم نمونه در هر طبقه؛ P=۰.۵؛ q=۰.۵؛ Z= مقدار بحرانی با میزان اطمینان ۱/۹۶؛ d= مقدار خطای قابل قبل ۰/۰۵ و N= حجم جامعه آماری می‌باشد. در مجموع حجم نمونه برابر ۱۸۲ بنگاه کوچک صنعتی به دست آمده است.

اطلاعات این پژوهش بر پایه ابزار پرسشنامه محقق ساخته استوار است. در گام اول، عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه با بررسی مطالعات پیشین به صورت کتابخانه‌ای استخراج و در قالب پرسشنامه تدوین شده است. در گام دوم پرسشنامه‌ها همراه با مصاحبه توسط چند مدیر کارگاه‌های صنعتی کوچک (براساس نمونه‌گیری از این کسب و کارها) اصلاح و تکمیل شده و عوامل اصلی اثرگذار بر پایداری بنگاه‌ها، استخراج شده است (جدول ۱). با توجه به هدف پژوهش و مرور ادبیات موضوع، مطالعات انجام شده توسط سایدیکی و صفدر خان<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، جانسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) و ویک<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) و نظر خبرگان<sup>۱</sup>، عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های

۱. گروه صنعتی «غذایی و آشامیدنی (۱۲۱ بنگاه)»، «کانی غیرفلزی (۱۰۸ بنگاه)»، «لاستیک و پلاستیک (۴۱ بنگاه)»،

«محصولات فلزی فابریکی (۳۴ بنگاه)» و «ماشین‌آلات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر (۴۳ بنگاه)»

2. Siddiqi and Safdar Khan
3. Janssen
4. Yik

کوچک صنعتی شامل ۱۱ متغیر کیفی و ۴ متغیر کمی در سه دسته عوامل مرتبط با ویژگی‌های مدیر و بنگاه، ویژگی‌های بازار و تأمین مالی و عوامل برون سازمانی دسته‌بندی شدند. همچنین نوع سنجش متغیرها در جدول (۱) ارائه شده است. متغیر پایداری بنگاه به‌عنوان متغیر وابسته (این متغیر ترکیبی از شاخص‌های میزان فروش، میزان سرمایه و میزان اشتغال (۴ سال گذشته و شرایط فعلی)) در نظر گرفته شده است (جدول ۱). در این جدول، معیار ۴ سال مربوط به متغیر پایداری بنگاه اقتصادی، براساس دوره چهارساله برای چرخه‌های تجاری در ایران<sup>۲</sup> و همچنین روند رو به نزول اشتغال صنعتی از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است. متغیر ریسک‌پذیری مدیر، با کمک گرفتن از مطالعه جانسن (۲۰۰۳) و همچنین حد بالا (نقطه ورشکستگی و کاهش صدد صدی تولید) و حد پایین ریسک‌پذیری (عدم کاهش در سطح تولید)، به حالت‌های بینابین و خطرپذیری مدیر بنگاه در حالت زیان تولید، تعیین شده است. در مورد متغیر دسترسی به بازار، مطابق اسناد بالادستی بخش صنعت و پژوهش‌های این حوزه، سطح دسترسی به بازار به سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی تقسیم می‌شود. از آنجایی که بنگاه‌های کوچک اغلب به دلیل بهره‌وری پایین و مقیاس کوچک قادر به رقابت با بنگاه خارجی نبوده و به دنبال صادرات نیستند، سه سطح (محلی، منطقه‌ای و ملی) در نظر گرفته شده و در پرسشنامه نیز قید شده است. سایر متغیرها نیز از سه مطالعه بنزاد و ابوازا و همکاران (۲۰۱۵)، جانسن (۲۰۰۳) و ویک (۲۰۱۲) اقتباس شده است.

باید یادآور شد که پس از طی مراحل بیان شده، پرسشنامه به تعداد ۱۸۲ و به نسبت‌های تعیین شده در نمونه‌گیری ذکر شده در بالا، ارسال شد. از این تعداد، ۱۴ پرسشنامه قابل استناد نبود و در مجموع ۱۶۸ پرسشنامه تکمیل و در محاسبات مدنظر قرار گرفت.

۱. منظور از خبرگان، تعدادی از مدیران بنگاه‌های کوچک و متوسط در حوزه صنعت، کارشناسان صاحب‌نظر در

سازمان تعاون کار و امور اجتماعی و... می‌باشد.

۲. بر مبنای گرجی (۱۳۸۱) در خصوص سیکل‌های تجاری در ایران



## جدول ۱. متغیرهای استفاده شده در نمونه مورد مطالعه

متغیرها	نوع متغیر	توضیحات
پایداری بنگاه (متغیر وابسته)	کیفی	کاهش نسبت به ۴ سال قبل = ۱، ثبات نسبت به ۴ سال قبل = ۲، افزایش نسبت به ۴ سال قبل
سن مدیر	کمی	سال
تجربه مدیر در فعالیت فعلی	کمی	سال
تجربه مدیر در مدیریت	کمی	سال
سن بنگاه	کمی	سال
تحصیلات مدیر	کیفی	زیر دیپلم = ۱، دیپلم = ۲، فوق دیپلم = ۳، لیسانس = ۴، فوق لیسانس و بالاتر = ۵
نحوه نظارت و کنترل بنگاه توسط مدیر	کیفی	پاره وقت = ۱، تمام وقت = ۲
ریسک‌پذیری مدیر	کیفی	کاهش تولید به اندازه سه چهارم = ۱، کاهش تولید به نصف = ۲، کاهش تولید به یک چهارم، مرز تعطیلی
گذراندن دوره آموزشی در زمینه فعالیت فعلی	کیفی	بلی = ۱، خیر = ۰
سطح آگاهی مدیر از فرصت‌های بازار	کیفی	کم = ۱، متوسط = ۲، زیاد = ۳
نحوه اداره بنگاه	کیفی	انفرادی = ۱، گروهی (خانوادگی) = ۲، گروهی (شرکای غیر خانوادگی) = ۳
تعداد دوره آموزشی برای کارکنان	کیفی	عدم برگزاری = ۰، یکبار در سال = ۱، دو بار در سال = ۲، بیش از ۲ بار در سال = ۳
ورود تجهیزات و فناوری جدید	کیفی	بلی = ۱، خیر = ۰
دسترسی بنگاه به بازار	کیفی	کم = ۱، متوسط = ۲، زیاد = ۳
استفاده از وام	کیفی	بلی = ۱، خیر = ۰
عوامل برون سازمانی	کیفی	(شامل بروکراسی اداری، مالیات و بی ثباتی سیاسی و مدیریتی) کم = ۱، متوسط = ۲، زیاد = ۳

روایی پرسشنامه تدوین شده توسط خبرگان و صاحب‌نظران در زمینه بنگاه‌های کوچک و زودبازده در بخش صنعت تایید شد. قابلیت پایایی که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری تعبیر می‌شود با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS در یک نمونه ۲۰ تایی برای شاخص پایداری بنگاه (۰/۷۰)، عوامل برون سازمانی (۰/۶۲)، ویژگی‌های بازار و بازاریابی (۰/۵۴) و تامین مالی (۰/۶۰) برآورد شد.<sup>۱</sup> که نشان می‌دهد سوالات پرسشنامه

۱. براساس حیدری چروده (۱۳۸۹)، ضریب آلفای بین ۰.۴ و ۰.۶ به نسبت مطلوب و بین ۰.۶ و ۰.۸ مطلوب می‌باشد.

همبستگی به نسبت مطلوبی با یکدیگر دارند و همچنین پرسشنامه قابلیت پایایی به نسبت مطلوبی دارد (حیدری چروده، ۱۳۸۹).

به منظور تعیین تاثیر متغیرهای توضیحی بر پایداری بنگاه‌ها، الگوی لاجیت ترتیبی در سه گروه بنگاه‌هایی با «پایداری ثابت»، «کاهش پایداری» و «افزایش پایداری»، استفاده شد. الگوی لاجیت ترتیبی به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$\text{Log} \left[ \frac{\gamma_j(X_i)}{1 - \gamma_j(X_i)} \right] = \mu_i - [\beta_1 x_{i1} + \beta_2 x_{i2} + \beta_3 x_{i3} + \dots + \beta_k x_{ik}] \quad (2)$$

$j=1,2,3,\dots, \quad i=1,2,\dots,n$

که در آن  $\gamma_j$ ، احتمال تجمعی به صورت  $\gamma_j(x_i) = \gamma(\mu_j - \beta x_i) = p(\gamma_j \leq (j|x_i))$  بوده و  $\beta$  بردار ستونی پارامترها و  $x_i$  بردار ستونی متغیرهای توضیحی می‌باشد.

### یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه نشان داد میانگین سن مدیر در گروه‌هایی که با کاهش، ثبات و افزایش اشتغال و پایداری طی چهار سال مواجه بوده‌اند به ترتیب ۴۴/۵، ۳۹/۳ و ۳۷/۳ سال و میانگین تجربه مدیر در فعالیت فعلی نیز در این گروه‌ها به ترتیب ۱۷/۳۵، ۱۶/۳ و ۱۱/۷ سال بوده است. تجربه مدیر در مدیریت بنگاه در گروه با کاهش پایداری ۱۶/۷ سال، با ثبات پایداری ۱۵/۴۳ سال و با افزایش پایداری ۹/۵۷ سال بوده است. همچنین طول عمر بنگاه در گروه با ثبات اشتغال و پایداری ۱۹/۱۴ سال بوده که نسبت به دو گروه دیگر (کاهش (۱۶/۴۵) و افزایش (۱۶/۴۳)) بیشتر بوده است.

نتایج به دست آمده از برآورد الگو در جدول (۳) ارائه شده است و متغیر وابسته، متغیر ترتیبی طبقه‌بندی بنگاه‌های کوچک صنعتی براساس پایداری می‌باشد که در سه گروه کاهش، ثبات و افزایش پایداری طبقه‌بندی شده‌اند. آماره آزمون حداکثر درست‌نمایی<sup>۱</sup> نشان‌دهنده معنی‌داری کل الگوی بررسی شده است. همچنین براساس آماره pseudo R2 می‌توان گفت

1. Lig Likelihood

الگوی لاجیت برآورد شده از سطح به نسبت خوبی از نیکویی برازش برخوردار بوده و متغیرهای استفاده شده در مدل به طور نسبی توانایی توضیح تغییرات احتمال انتخاب گزینه‌های مختلف متغیر وابسته را دارد.

جدول ۲. خصوصیات آماری متغیرهای کمی مورد نظر بین سه گروه بنگاه‌های کوچک و

زود بازده

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سن مدیر	کاهش اشتغال و پایداری	۴۴.۵	۸.۵	۲۸	۵۹
	ثبات اشتغال و پایداری	۳۹.۲۹	۷	۳۰	۵۰
	افزایش اشتغال و پایداری	۳۷.۲۹	۷.۶	۳۰	۵۰
تجربه مدیر در فعالیت فعلی	کاهش اشتغال و پایداری	۱۷.۳۵	۹.۷	۲	۳۵
	ثبات اشتغال و پایداری	۱۶.۲۹	۷.۲	۴	۲۴
	افزایش اشتغال و پایداری	۱۱.۷۱	۷.۳	۳	۲۵
تجربه مدیر در مدیریت	کاهش اشتغال و پایداری	۱۶.۷	۷.۷	۳	۳۰
	ثبات اشتغال و پایداری	۱۵.۴۳	۶.۵	۸	۲۴
	افزایش اشتغال و پایداری	۹.۵۷	۶.۷	۲	۲۰
سن بنگاه	کاهش اشتغال و پایداری	۱۶.۴۵	۷.۹	۵	۳۵
	ثبات اشتغال و پایداری	۱۹.۱۴	۱۱.۷	۳	۴۰
	افزایش اشتغال و پایداری	۱۶.۴۳	۱۶.۵۴	۴	۵۵

ماخذ: نتایج تحقیق

براساس نتایج به دست آمده از برآورد الگوی لاجیت متغیرهای تحصیلات مدیر، نحوه کنترل و نظارت بنگاه توسط مدیر، نحوه اداره بنگاه، تعداد دوره آموزشی برای کارکنان، ریسک پذیری و سطح آگاهی مدیر از فرصت‌های بازار و متغیر دسترسی بنگاه به بازار اثر مثبت و معنی داری بر پایداری بنگاه‌های کوچک دارد. متغیر اتکاء بنگاه به تامین مالی استقراری اثر منفی و معنی داری بر پایداری بنگاه‌ها دارد. در واقع افزایش این متغیر احتمال قرار گرفتن بنگاه را در سطوح بالاتر پایداری کاهش می‌دهد.

از آنجا که علامت‌های ضرایب برآورد شده نمی‌توانند در ارتباط با احتمال قرار گرفتن بنگاه در هر یک از طبقات پایداری و تاثیر تغییرات متغیرهای توضیحی بر این موضوع مورد تفسیر و توضیح قرار گیرند، از این رو به منظور استنتاج نتایج بیشتر از الگوی برآورد شده بایستی

اثرات نهایی متغیرهای مستقل معنی دار برای هر یک از طبقات متغیر وابسته محاسبه شود. نتایج به دست آمده از اثر نهایی متغیرهای مستقل برای هر یک از گروه‌ها در جدول (۴) آمده است.

جدول ۳. نتایج به دست آمده از برآورد الگوی لاجیت ترتیبی

متغیر	مقدار ضریب	سطح احتمال معنی داری
سن مدیر	-۰/۲۱۹	۰/۱۵۴
تجربه مدیر در فعالیت فعلی	۰/۰۳۶	۰/۵۱۳
تجربه مدیر در مدیریت	۰/۰۸۸	۰/۵۲۶
تحصیلات مدیر	۲/۹۵۶	***۰/۰۰۱
نحوه کنترل و نظارت بنگاه توسط مدیر	۷/۳۵۳	***۰/۰۰۰
ریسک‌پذیری مدیر	۱/۴۹۱	**۰/۰۵۷
گذراندن دوره آموزشی در زمینه فعالیت فعلی	۰/۲۷۲	۰/۷۹۹
سطح آگاهی مدیر از فرصت‌های بازار	۱/۶۹۴	**۰/۰۰۳
سن بنگاه	۰/۰۱۸	۰/۶۹۸
نحوه اداره بنگاه	۱/۷۲۳	***۰/۰۰۰
تعداد دوره آموزشی برای کارکنان	۱/۴۸۰	***۰/۰۰۰
تجهیزات	۰/۸۴۴	۰/۶۲۹
دسترسی بنگاه به بازار	۰/۴۸۵	*۰/۱
تامین مالی استقراضی	-۴/۳۹۰	***۰/۰۰۰
عوامل بیرون سازمانی	-۰/۳۷۵	**۰/۰۲۴۱
سطوح آستانه‌های الگو	مقدار ضریب	انحراف معیار
آستانه اول	۱۳/۳۷۴	۶/۸۴۵
آستانه دوم	۱۵/۹۹	۶/۸۴۱
$\geq ۰/۰۰۰$ Pr		$Log\ likelihood = -۱۲۵/۲۵$
$R^2$ pseudo		$= ۰/۵۲$

ماخذ: نتایج تحقیق - \*، \*\* و \*\*\* به ترتیب معنی داری در سطح، ۱۰، ۵ و ۱ درصد و ns عدم معنی داری

اثر نهایی متغیر تحصیلات مدیر نشان می‌دهد با افزایش تحصیلات مدیر احتمال اینکه بنگاه در گروه‌های با ثبات و پایداری بالاتر قرار گیرد افزایش و احتمال اینکه بنگاه در گروه اول (کاهش پایداری) قرار گیرد، کاهش می‌یابد. اثر نهایی متغیر نحوه کنترل و نظارت بنگاه توسط مدیر نیز نشان می‌دهد که احتمال قرار گرفتن بنگاه‌هایی که به صورت تمام وقت توسط مدیر نظارت و کنترل می‌شوند نسبت به بنگاه‌هایی که کنترل و نظارت مدیر در آنها به صورت

پاره‌وقت انجام می‌شود در گروه‌های با ثبات و پایداری بالاتر افزایش می‌یابد و احتمال قرار گرفتن در گروه اول (کاهش پایداری) کاهش می‌یابد. مدیر با کنترل و نظارت تمام وقت بر فعالیت بنگاه می‌تواند به شناختی سریع از نقاط قوت و ضعف بنگاه دست یابد. در نتیجه به موقع به اصلاح کاستی‌ها و قوت بخشیدن به توانمندی‌های بنگاه پردازد. در صورتی که با غفلت از امر کنترل و نظارت بنگاه امکان دور شدن از هدف‌های تعیین شده بنگاه وجود دارد. اثر نهایی متغیر ریسک‌پذیری مدیر نشان می‌دهد با افزایش ریسک‌پذیری مدیر احتمال قرار گرفتن بنگاه در طبقات با پایداری بیشتر افزایش می‌یابد. در حالیکه احتمال قرار گرفتن در طبقه اول ۸/۲ درصد کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه انگیزه مدیران ریسک‌پذیر دستیابی به فرصت و موقعیت است و در جست‌وجوی تجربیات جدید هستند و به محرک‌ها به سرعت پاسخ می‌دهند. از این‌رو بنگاه‌هایی که توسط چنین مدیرانی اداره می‌شوند احتمال قرار گرفتن آن‌ها در طبقات بالاتر پایداری بیشتر است. با افزایش سطح آگاهی مدیر از فرصت‌های بازار احتمال قرار گرفتن بنگاه در گروه دوم (ثبات پایداری) و گروه سوم (افزایش پایداری) به ترتیب ۸/۵ و ۰/۷ درصد افزایش می‌یابد و احتمال قرار گرفتن در بنگاه‌هایی با کاهش اشتغال و پایداری ۹/۳ درصد کاهش می‌یابد. در بنگاه‌هایی که به صورت گروهی غیرخانوادگی و انفرادی اداره می‌شوند نسبت به بنگاه‌هایی که به صورت خانوادگی اداره می‌شوند احتمال قرار گرفتن بنگاه در طبقات بالاتر (ثبات و افزایش پایداری) به ترتیب ۸/۷ و ۰/۸ درصد افزایش می‌یابد. همچنین احتمال قرار گرفتن بنگاه در گروه اول ۹/۴ درصد کاهش می‌یابد. وقتی بنگاه به صورت گروهی اداره می‌شود، گروه استعداد نهایی و تشریک مساعی میان خود را به وجود آورده و موجب استفاده کردن از تجربیات یکدیگر از طریق فعل و انفعالی که میان آن‌ها به وجود می‌آید، خواهد شد.

با افزایش تعداد دوره‌های آموزش کارکنان احتمال قرار گرفتن بنگاه در گروه‌های بالاتر افزایش می‌یابد. به طوری که احتمال قرار گرفتن در گروه دوم و سوم به ترتیب ۷/۴ و ۰/۶ درصد افزایش و احتمال قرار گرفتن در گروه اول ۸/۱ درصد کاهش می‌یابد.

افزایش دسترسی به بازار، احتمال قرار گرفتن بنگاه در گروه دوم و سوم را به ترتیب ۲/۴ و ۰/۲ درصد افزایش و احتمال قرار گرفتن در گروه اول را ۲/۶ درصد کاهش می‌دهد. در شرایطی که بنگاه با رقبای زیادی در بازار داخل و خارج روبه‌رو است، دسترسی بیشتر به بازار به‌عنوان یک عامل اصلی در حفظ بقای بنگاه در میان سایر رقبا محسوب می‌شود. احتمال قرار گرفتن بنگاه‌هایی که تامین مالی آن‌ها از طریق بدهی (استقراض) انجام شده است نسبت به بنگاه‌هایی که تامین مالی آن‌ها با اتکا به سرمایه شخصی و خانوادگی انجام شده است، در گروه‌های بالاتر کاهش می‌یابد و احتمال قرار گرفتن در گروه بنگاه‌هایی با کاهش پایداری ۲۴ درصد افزایش می‌یابد.

جدول ۴- اثر نهایی محاسبه شده برای گروه‌های بنگاه از نظر اشتغال و پایداری

متغیر	اثر نهایی گروه اول (کاهش پایداری)	اثر نهایی گروه دوم (ثبات پایداری)	اثر نهایی گروه سوم (افزایش پایداری)
تحصیلات مدیر	-۰/۱۶۲	۰/۱۴۹	۰/۰۱۳
نحوه کنترل و نظارت بنگاه توسط مدیر	-۰/۱۰۵	۰/۰۹۷	۰/۰۰۸
ریسک‌پذیری مدیر	-۰/۰۸۲	۰/۰۷۵	۰/۰۰۶
سطح آگاهی مدیر از فرصت‌های بازار	-۰/۰۹۳	۰/۰۸۵	۰/۰۰۷
نحوه اداره بنگاه	-۰/۰۹۴	۰/۰۸۷	۰/۰۰۸
تعداد دوره آموزشی برای کارکنان	-۰/۰۸۱	۰/۰۷۴	۰/۰۰۶
دسترسی بنگاه به بازار	-۰/۰۲۶	۰/۰۲۴	۰/۰۰۲
استفاده از وام	۰/۲۴۰	-۰/۲۲۰	-۰/۰۱۹

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی سطح اثرگذاری هریک از عوامل و متغیرهای اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک کارآفرین در استان خراسان رضوی (شهر مشهد به‌عنوان پایلوت) انجام شده است. برای رسیدن به این هدف کارگاه‌های صنعتی کوچک در پنج گروه صنعتی که در جمع ۷۳ درصد کل اشتغال صنایع کوچک استان را دربر می‌گیرند به‌عنوان جامعه آماری مدنظر قرار گرفتند و از مدل لاجیت ترتیبی برای دستیابی به هدف تحقیق استفاده شده است. به‌دلیل تفاوت‌ها در روند اشتغال، تولید و سرمایه در گردش، شاخص پایداری بنگاه در این پژوهش ترکیبی از متغیرهای تغییر در سرمایه، فروش و اشتغال بنگاه در نظر گرفته شده است.

براساس نتایج تحقیق، با افزایش متغیرهای میزان تحصیلات مدیر و ریسک‌پذیری مدیر اشتغال‌زایی و پایداری بنگاه افزایش می‌یابد.<sup>۱</sup> مدیران ریسک‌پذیر برخلاف مدیران ریسک‌گریز به‌منظور طراحی و تدوین انتخاب راهبردهای نو و تبدیل ایده‌ها به واقعیت و درنهایت دستیابی به موفقیت، ریسک می‌کنند. در حالی که مدیران ریسک‌گریز تمایلی به انتخاب طرح‌هایی با ریسک بالا ندارند و از قبول فناوری پیشرفته اجتناب می‌کنند. از این‌رو بهره‌وری و عملکرد بنگاه کاهش یافته و بقا و پایداری بنگاه به‌خطر می‌افتد.

همچنین نتایج مطالعه نشان داد بنگاه‌هایی که تامین مالی آن‌ها از طریق بدهی (استقراض) انجام شده است، نسبت به بنگاه‌هایی که تامین مالی آن‌ها با اتکا به سرمایه شخصی و خانوادگی انجام شده است از پایداری کمتری برخوردارند. تامین مالی از طریق بدهی اگرچه به کارآفرین این اجازه را می‌دهد که مالکیت کامل شرکت را در اختیار داشته باشد، با این حال او باید بدهی ایجاد شده در ترازنامه را تعهد کند و به همین ترتیب آن را به همراه بهره‌معلق به آن، در آینده بازپرداخت کند. افزون بر این، به دلیل ریسک بیشتر کسب و کارهای کوچک، آن‌ها باید نرخ بهره بیشتری را نیز پرداخت کنند. اتکاء صرف بر بدهی و استقراض برای تامین مالی راه‌اندازی و یا رشد و توسعه بنگاه، ممکن است مشکلات بی‌شماری را به‌وجود آورد. سرمایه به‌دست آمده از استقراض، سرمایه صبوری نیست. مدت زمان وام‌های آن به ندرت از ۳ تا ۵ سال فراتر می‌رود. از سوی دیگر سرمایه ناشی از بدهی (استقراض)، سرمایه متعهدی نیست. بدهی بازپرداخت‌های دوره‌ای بهره (فرع وام) و پرداخت نهایی اصل وام را ایجاد می‌کند. از این‌رو بنگاه‌هایی که به این روش تامین مالی، اتکای بیشتری دارند در طبقات پایین‌تری از پایداری قرار دارند.

نتیجه دیگر این تحقیق، بیانگر تاثیر مثبت آموزش کارکنان بر اشتغال‌زایی و پایداری بنگاه است. بنگاه‌های کوچک کارآفرین بیشتر بر مبنای نهاده نیروی کار استوار هستند تا سرمایه. از

۱. مطالعه رمثو (۲۰۱۴) و بنزازوا بوازا و همکاران (۲۰۱۵) درخصوص تاثیر عوامل آموزشی و سرمایه انسانی و مطالعه

سلیم زاده و همکاران (۲۰۱۲) درخصوص ریسک‌پذیری مدیریت بنگاه اقتصادی.

این رو کسب آموزش‌ها و مهارت‌های لازم می‌تواند بهره‌وری نیروی کار را که یکی از مهمترین عوامل در افزایش بقا و پایداری بنگاه است، افزایش دهد.

متغیر مهم دیگری که در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت، سطح دسترسی به بازار می‌باشد. نتایج این مطالعه مشابه با نتایج رگاسا (۲۰۱۵) بیانگر این است که دسترسی به بازار و آگاهی مدیر از فرصت‌های بازار منجر به افزایش پایداری بنگاه می‌شود. صنایع کوچک عموماً توسط افراد کارآفرین که فاقد مهارت‌های مدیریتی خاص مانند بازاریابی هستند ایجاد می‌شود. از این رو افزایش آگاهی مدیر در زمینه بازاریابی در شرایطی که بنگاه با رقابت زیادی در بازار داخل و خارج روبه‌رو است، به‌عنوان یک عامل اصلی در حفظ بقای بنگاه در میان سایر رقبا محسوب می‌شود.

### پیشنهادها

بر اساس نتایج مطالعه می‌توان راهکارهای مدیریتی زیر را پیشنهاد داد:

با توجه به اینکه آگاهی از فرصت‌های بازار از عوامل تاثیرگذار بر پایداری بنگاه است، پیشنهاد می‌شود مدیر در اداره بنگاه از کارشناسان بازاریابی که توانایی تجزیه و تحلیل فرصت‌های بازار و کسب اطلاعات صحیح و به‌موقع بازاریابی را دارند بهره بگیرند. همچنین مدیر بنگاه برای شناسایی فرصت‌های جدید، نظامی را برای تحریک و برانگیختن جریان تولید ایده‌های جدید از طریق شرکا و صاحب‌نظران به کار گیرد.

تامین مالی صرف از طریق استقراض، اثر منفی بر پایداری بنگاه دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود امکان بهره‌گیری کارآفرینان و مالکان کسب و کارهای کوچک از منابع مالی متنوع برای تامین مالی بنگاه فراهم شود. هر چه گستردگی منابع و حق انتخاب کارآفرینان افزایش یابد، آنان می‌توانند راهکارهای اجرایی بیشتری را برای رفع نیازهای مالی و رویارویی با بحران‌های مالی در اختیار داشته باشند. این امر ضمن کاهش ریسک‌های مرتبط، امکان گزینش منبعی با کمترین هزینه را مهیا می‌کند. از سوی دیگر، اگرچه منابع مالی ناشی از سرمایه مستلزم پرداخت بهره نیست، اما می‌تواند با رقیق کردن مالکیت کارآفرین، توان کنترل وی را در فرایند تصمیم‌گیری‌ها کاهش دهد.



افزایش دوره‌های آموزشی کارکنان تاثیر مثبتی بر پایداری بنگاه دارد. آموزش باعث توانمندسازی نیروی انسانی شاغل در بنگاه شده و موفقیت‌های آتی را تضمین می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود آموزشی اثرگذار با ارتقاء سطح مهارت‌های کاری و فردی به‌منظور کارآمدی نیروی انسانی انجام شود و دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت که قابلیت فکری و تخصصی کارکنان را افزایش دهد، به دفعات بیشتر برگزار شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از ریسک‌پذیری مدیر و تاثیر آن بر توسعه بنگاه‌های کوچک کارآفرین، پیشنهاد می‌شود مدیران، بنگاه را با تکیه بر مدیریت ریسک اداره کنند. از سوی دیگر، به دلیل تاثیر مثبت سطح دسترسی به بازار بر پایداری بنگاه، پیشنهاد می‌شود بر مبنای اصول بازاریابی (به دلیل ضعف این قسمت در توسعه بنگاه‌های کارآفرین کوچک)، راه‌های دسترسی به بازار به مدیران این بنگاه‌ها معرفی شود. از این رو لازم است مدیر بنگاه بازارهای مختلف را شناسایی کند و با بهره‌گیری از تجربیات و تخصص خود و بازاریابان خیره راه‌های دسترسی بهتر و بیشتر را فراهم کند.

## منابع

- آذر عادل، صادقی آرش. و کردنائیچ اسدا.... (۱۳۹۱). اولویت بندی عوامل موثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط حوزه فناوری برتر- رویکرد فرایند تحلیل شبکه ای فازی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۵ (۲)، صص ۱۶۵-۱۸۴.
- اژدری، علی اصغر (۱۳۹۱)، ارزیابی و تحلیل عملکرد آیین نامه اجرایی گسترش بنگاه های اقتصادی زودبازده و کارآفرین؛ مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی؛ دفتر مطالعات انرژی صنعت و معدن، شماره مسلسل ۱۲۶۷۸.
- امین بیدختی، اکبر علی، و سید مجتبی زرگر. (۱۳۹۰). بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و متوسط (SME) و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه ها. مجله کار و جامعه، شماره ۱۳۸، صص ۳۴-۴۸.
- حسین زاده هدایت. و نصرتی رضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر طرح توسعه بنگاه های کوچک و زودبازده بر ایجاد اشتغال در استان های منتخب کشور. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، ۲ (۷) صص ۹۱-۱۰۸.
- حیدری چروده، مجید (۱۳۸۹)؛ راهنمای سنجش روایی و پایایی در پژوهش های فرهنگی و اجتماعی؛ انتشارات جهاددانشگاهی مشهد.
- سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو). ترجمه شفیعی مسعود، شقاقی عبدالرضا. (۱۳۸۹). استراتژی افزایش مشارکت موثر و رقابتی بخش صنایع کوچک و متوسط. ناشر رسا.
- عقبلی فریبا، طیبی کمال، زمانی زهرا. و ابراهیمی نسرين. (۱۳۹۱). اثر کارآفرینی و توسعه ی بنگاه های کوچک و متوسط بر اشتغال: تجربه ی چند کشور منتخب در حال توسعه. نشریه توسعه کارآفرینی، ۵ (۲)، صص ۱۴۵-۱۶۴.
- فیض پور محمد علی، سعیدا اردکانی سعید. و پوش دوزباشی هانیه. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر بنگاه های جدیدالورود کوچک و متوسط در تغییرات اشتغال: تجاربی از صنعت نساجی ایران طی دوره ۸۴-۱۳۷۵. نشریه توسعه کارآفرینی، ۴ (۱۴)، صص ۶۷-۸۶.

فیض پور محمد علی، محمودی وحید. و امامی میبدی مهدی. (۱۳۸۸). رشد سریع و عوامل مؤثر بر آن در بنگاه‌های کوچک صنایع تولیدی ایران طی برنامه سوم توسعه. پژوهشنامه اقتصادی، ۹ (۴)، صص ۱۵۵-۱۷۳.

کریمی تکانلو زهرا. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط و زود بازده بر کارآفرینی و اشتغالزایی بخش تعاون در طی دوره (۱۳۸۹-۱۳۸۴). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی کاربردی، ۱ (۲)، صص ۱۰۷-۱۲۴.

گرچی، ابراهیم (۱۳۸۱). بررسی تئوریک سیکل‌های تجاری و علل پیدایش آن در اقتصاد ایران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۳). طرح آمارگیری کارگاه‌های صنعتی ایران.

ملاشاهی غلامعباس، ظریفیان شاپور. و پیش‌بهار اسماعیل. (۱۳۹۴). تعیین میزان موفقیت بنگاه‌های اقتصادی زودبازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۲۳ (۹۱)، صص ۷۳-۴۹.

وحدت داوود. و داداشی علیرضا. (۱۳۸۹). نگاهی به طرح حمایت از گسترش بنگاه‌های اقتصادی زود بازده و برخی کاستی‌های اجرای آن. فصلنامه تخصصی پارکها و مراکز رشد، ۷ (۲۵)، صص ۱۵-۲۴.

Benzazoua Bouazza, A., Ardjouman, D. and Abada, O. (2015); "Establishing the Factors Affecting the Growth of Small and Medium-sized Enterprises in Algeri"; American International Journal of Social Science, 4(2):101-115.

Janssen, F. (2003). Determinants of SMEs' employment growth relating to the characteristics of the manager. 23d Annual International Conference of the Strategic Management Society (SMS), At Baltimore, USA.

Lucas, T., Cunningham, R. and Lamberton, G. (2009); "Small business engagement with sustainability in regional Australia "; Journal of Economic and Social Policy, 13(1):1-15.

Obasan K. (2014). "The Impact of Business Environment on the Survival of Small Scale Businesses in Nigeria "; Int. J. Manag; Bus, Res., 4 (3): 165-170.

Panicos, D., Jun, D., Sourafel, G. and Chengang, X. (2008); "Dose the Chinese banking system promote the growth of firms? "world economy & finance research programme Working Paper No. 0036.

Regasa, D.G. (2015), "External Factors Affecting Firm Growth: Evidence from Small Scale Manufacturing Firms in Tigray Regional State of Ethiopia ". Int. J. Manag. Bus. Res., 5 (4): 279-286.

- Romeo Asa, A. (2014); "Analysis on the Factors that Determine Sustainable Growth of Small Firms in Namibia"; Wuhan University of Technology, The international journal of management science and business administration.
- Safdar Khan, Kh. and Siddiqi, W.(2012). Entrepreneurial Factors Contributing towards the Firm's Growth in Terms of Employment Generation: A Case Study of Electric Fans Producing Firms in Gujarat District. Proceedings of 2nd International Conference on Business Management.
- Salimzadeh, P., Courvisanos, J. and Ravi Nayak, R. (2013); "Sustainability in Small and Medium Sized Enterprises in Regional Australia ": A Framework of Analysis, 26th Annual SEAANZ Conference Proceedings Small Enterprise Association of Australia and New Zealand.
- Schumpeter, Joseph.(1934). "The Theory of Economic Development "; Cambridge, Mass, Harvard University Press.
- Yik,W.K. (2012).Factors Influencing Generation Y's Job Application Intention. A research project submitted in partial fulfilment of the requirement for the degree of Master of Business Administration; Department of International Business Faculty of Accountancy and Management.